



حجة الاسلام والمسلمین  
طاهری خرم آبادی  
نماینده امام در سپاه پاسداران

# جهاد و شهادت

## انواع دفاع

”وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا . الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ ، فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا“  
(آیات ۷۵-۷۶ سوره نساء)

چه شده است شما را که در راه خدا جهاد نمی کنید، و چرا برای نجات مردم مستضعف از مردها و زنانها و بچه هائی که همواره میگویند: پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور، و از جانب خود برای ما سرپرست و یاورى بفرست. آنها که ایمان آوردند در راه خدا قتال می کنند، و آنان که کافر شدند در راه طاغوت می جنگند

پس بجنگید با یاوران و دوستان شیطان، همانا کید و مکر شیطان ضعیف است.

این آیه نیز یکی از موارد و مصادیق ”سبیل الله“ را بیان فرموده است، و آن باری مردم مسلمانی است که به استضعاف کشیده شده اند تا بدو زیر ضربات شکنجه های طاقت فرسای ستمگران قرار گرفته اند.

جمعیتی که در زمان نزول آیه چنین وضعی داشتند، و آیه به آنها نظر دارد، مسلمانانی بودند که پس از هجرت پیامبر (ص) نتوانستند از مکه خارج شوند، و با کفار از پیوستن آنان به دیگر مسلمانان جلوگیری می نمودند، و در مدت زیادی (حدود شش سال تا صلح حدیبیه) گرفتار انواع عذابها و زجرهای معمول آن زمان بودند، و در شرایط بسیار سختی بسر میبردند قرآن نجات این گروه را از اهداف و انگیزم های جهاد دواز مصادیق ”فی سبیل الله“ شمرده است. و با اینکه ”فی سبیل الله“ این

مورد را فرامی گیرد ولی برای تحریک بیشتر مردم و ترغیب آنان به جهاد، این مورد را بالخصوص ذکر نموده است. زیرا درجات ایمان مردم متفاوت است: یک دسته ایمان و اخلاصشان تا آن حد است که فرمان خدا و راه او، آنان را به حرکت و قیام و ایستادگی و در مقام فداکاری برمی آیند اما پارهای از مردم در عین اینکه مسلمانند و ایمان دارند، ولی درجه ایمانشان به آن اندازه نیست که فرمان خداوند به تنهایی در آنها ایجاد حرکت کند، بلکه باید از احساسات و وابستگی های فامیلی و عواطف انسانی آنان استفاده شود. و مسلمانها بویژه مهاجرین آنها دارای فامیل و بستگانی بودند که زیر شکنجه های مشرکین در شرایط سخت و محدودیتهائی بسر می بردند.

و به تعبیر دیگر، قرآن از تعصب فامیلی و خویشاوندی در مسیر صحیح استفاده نموده

دیگر از خواسته‌های فطری انسان است .

البته صرف نظر از آنان که فطرت خدا -

دادی خود را زیر پرده‌های غرائز و هواها

برده و از شکوفائی استعداد های پاک انسانی

خود جلو گیری نموده اند ، که در برابر دیده

آنها هزاران انسان مظلوم و بی گناه ، پایمال

امیال و خواسته‌های حیوانی ستمگران میگردند

و دم نمی‌زنند و یا خود از عوامل ظلم و ستم

هستند و در یک چشم برهم زدن صدها کودک

و پیر مرد و پیرزن را زیر خوارها خاک دفن

می‌کنند . اینها نه تنها فطرت انسانی خود را

فراموش نموده و از دست داده اند ، بلکه گرگان

درنده‌ای هستند که به جان انسانهای بی پناه

افتاده اند و بر همه آنها که از فطرت الهی

انسانی برخوردارند لازم و ضروری است که

برای نجات انسانهای ناتوان و ستم دیده با

این خوک صفیان بجنگند .

لذایم بینیم در این آیه ، قرآن با لحنی

عتاب آمیز از مسلمانان سؤال می‌کند که چرا

برای نجات انسانهایی که به استضعاف کشیده

شده اند و تحت فشار و شکنجه قرار گرفته اند

حرکت نمی‌کنید و در راه آنان نمی‌جنگید ، و

مخصوصاً برای تحریک هر چه بیشتر موافق ،

است ، زیرا حمایت از خویشان و نزدیکان

نسبی و سببی و هر کس که با انسان رابطه

نزدیکی دارد و یا مورد احترام او است ، از

فطریات بشر است ، و این به دو گونه ممکن

است واقع گردد :

۱ - حمایت و پشتیبانی فقط بر اساس

روابط و عصیت باشد ، اگر چه دفاع از باطل و

علیه حق باشد .

۲ - بر اساس حق به حمایت و دفاع از

منسوبین و خویشان خود برخیزد ، و معیار

حق و ایمان آنها باشد .

اسلام این حسن فطری انسانی را در مسیر

صحیح و حق قرار میدهد ، و انسان را برای

حمایت از خویشان و نزدیکان که مو من هستند

و دچار استضعاف و ستم گردیده اند ، دعوت

می‌کند ، و خلاصه آنکه حکم و خواسته فطرت

را از انگیزه های باطل و فاسد خالی می‌کند و

آن را در قالب توحید و حق می‌ریزد و از

مصادیق "فی سبیل الله" قرار میدهد ، و در

عین حالی که معیار برای اسلام دفاع از حق

است نه شخص و نه بستگان و نزدیکان ، از این

حسن فطری هم استفاده نموده است ، و آن را

در مسیر صحیح و حق و خدا انداخته و از

جملاتی که به صورت دعا از این گروه نقل

شده است ، از جهاتی حائز اهمیت است :

۱ - این گفتار از روح توحید و یکتا پرستی

این گروه حکایت می‌کند ، زیرا تنها به خدا

پناه برده و از او استمداد جستفاند ، و دست

نیاز و درخواست به سوی هیچ انسانی حتی

برادران مسلمان خود دراز ، نموده اند تا چه

رسد به اینکه از دشمن تقاضا کنند و زیر بار

ذلت روند .

اینها بجای اینکه همچون سایر مردم از

دیگران و اعیان از دشمن استغاثه کنند و از

آنان مدد خواهند ، از خدا یاری می‌جویند ، و

می‌گویند : خداوند ما را از این شهری (شهر

مکه) که ساکنین و اهلس ستمگر هستند خارج

فرما ، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار

بده که ما را یاری دهد .

۲ - از این دعا چنین استفاده میشود که

آن مسلمانهای مستضعف و زیر شکنجه توجه به

ضرورت مسئله ولایت و رهبری برای نجات از

ستم و ظلم ستمگران داشته اند ، آنها بخوبی

میدانستند که انقلاب و مبارزه علیه استکبار و

ستم در هر شرائطی نیاز به ولی و رهبر دارد ،

## انگیزه هر دان مؤمن راه خداست یعنی راه به سوی واقعیت

## و کمال مطلق که حرکت انسان به سوی او است و هدف

## آنان هدفی است که با فطرت و خلقت انسان منطبق است

و بدون رهبری امکان موفقیت نیست .

۳ - این حقیقت را نیز یافته بودند که این

رهبر و ولی باید از طرف خدا باشد ، و لذا بر

این جهت تکیه داشتند و گفتند که :

" وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ كُدُنِكَ وَلِيًّا "

برای ما از نزد خودت ولی و سرپرستی

قرار بده . یعنی ولایت از آن خدا است و باید

اوفریدی را برای این امر قرار دهد ، و همچنین

نام رنهای و کودکان را می برد و از عواطف فطری

انسانی در این راه استفاده میکند . آنگاه به

معرفی مستضعفین و مردم زیر ستم می پردازد

و گفتار آنان را معرف آنها قرار می دهد و

می فرماید :

" الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ "

" الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ "

" كُدُنِكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ كُدُنِكَ "

بهره برداری غلط و برای غیر خدا از آن جلو

گیری شده است .

و از طرفی هر انسانی نسبت به انسانهای

و اما نده و ضعیف ، انسانهای زیر ستم و شکنجه

مخصوصاً آنها که قدرت دفاعی ندارند ،

احساسی دارد و عواطفش در برابر آنان

تحریک میشود ، و اگر قادر باشد به پشتیبانی

و حمایت از آنها برمی خیزد . و این نیز یکی

قومی کہ به یاری آنها بر می خیزند نیز از طرف خدا باشند. و این هم حکایت از آن روح توحید و یکتا پرستی آنان دارد که در آن محیط شرکت پرستی، چگونه مردمی این چنین موحد میشوند که یاری نمودن پیامبر و یاران شراهم از خدا طلب می کنند، و از پروردگار خود آرزوی فراهم شدن شرائط برای نجات آنان بدست رسول خدا و یارانش می نمایند.

۴ - این نکته را نیز باید توجه داشت که لحن گفتار در تحریک مسلمین تأثیر فراوانی دارد. زیرا انسانهای موحد و خدا گونه، انسانهایی که فطرت خدا پرستی و توحید در آنان شکوفا گردیده است هر گاه ببینند که انسانی به خدا متوسل گردیده و از ظلم و ستم با او پناه میبرد و با او راز و نیاز میکند و استغنا و بی نیازی خود را از انسانهای دیگر و همه موجودات نشان میدهد، بهتر و بیشتر برای دفاع و نجات - برای خدا - تحریک میشوند، تا انسانی که بخود آنان متوسل شود و از آنها مدد گیرد، زیرا این دریافت فطری انسان است که دفاع از این نوع انسانها که به کمال خود رسیده اند و خداجو شده و به مرحله توحید و فعالیت رسیده اند، لازم تر و ضروری تر است تا انسانی که ضعف و ناتوانی او را به التماس از این و آن می کشاند، آدمی با فطرت پاک و بی آرایش خود نسبت به انسانهای با فضیلت و موحد عشق می ورزد و از درد و رنج آنها درد می کشد و بهتر و سریعتر برای دفاع از آنان حاضر است.

از این رو امروز یکی از نتایج انقلاب اسلامی ما، همان حرکتی است که در مردم برای نجات مستضعفین از مسلمانها بوجود آمده است، این حرکت در پرتو ایمانی است که مردم به خدا پیدا نموده اند. و از طرفی تمام مستضعفین جهان و مخصوصا مسلمین چشم به امام است و ملت انقلابی ایران دوخته اند. و همانگونه که مردم ستم دیده مکه از خداوند می خواستند که پیامبر را به یاری آنان بفرستد و وسیله نجات آنان را بدست پیغمبر و یاران شراهم سازد. امروز مردم

موحد جهان هم باید از خداوند بخواهند تا با صدور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام امت استکبار جهانی به زانو درآید و موجبات رهایی مستضعفین فراهم شود و بدنبال آن حکومت جهانی ولی عصر (عجل الله فرجه) با ظهورش تشکیل گردد.



سپس برای روشن شدن هر چه بیشتر راهها و هدفها و تأکید بیشتر بر جهاد و مقاتله در راه خدا در ادامه آیه می خوانیم:

"الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ"  
 "وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ"  
 "الظَّالِمِينَ"

آنهايي که ايمان آورده اند، در راه خدا مي جنگند. و آنان که کافرند، در راه طاغوت اين مقایسه ای است بین دو گروه و دو جنبه حق و باطل: مؤمن و کافر، از جهت انگیزه و هدفی که میتواند آنان را به نبرد بکشد.

انگیزه مردان مؤمن، راه خدا است، یعنی راه به سوی واقعیت و کمال مطلق که حرکت انسان به سوی او است، و هدف آنان هدفی است که با فطرت و خلقت انسانی منطبق است که پیوستن به ابدیت مطلق است

و این راه طبیعی و فطری هر انسانی است. فداکاری در راهی است که فنا پذیر نیست. ایمان در راه کسی قتال می کنند که بی نیاز از هر چیزی است و از آن بهره ای نمی برد، و برای او نیست بلکه بسوی او و برای خود انسان است، نفع و سودش عائد خود انسان می شود نه عائد خدا.

ولی کسانی که به خدا ایمان ندارند، قهرا در راه طاغوت یعنی متجاوزین و مستکبرین، زورگویان جبار و لگران وجهان خواران می جنگند و فدای مطامع و هواهای نفسانی آنان می شوند جان خود را در راه کسانی می دهند که در حقیقت ذلیل و زبون هستند، از فداکاری مردم بیچاره کور دل بهره می برند و در نتیجه استکبار و جباری و لکری و ظلم و ستم طاغوتها بیشتر میشود، و نه تنها نفعی عائد آن بیچارگان نمیکرد بلکه هلاکت و شقاوت را برای خود می خردند و استفاده و بهره اش برای طاغوت و طاغوتیان است. و خلاصه همراه مؤمنین در دعوت به قتال و مبارزه با دشمن.

بعد از این نتیجه می گیرد که: پس بجنگید با دوستان شیطان "فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ" یعنی اینکه کفار در راه طاغوت که راه شیطان است می جنگند طرفدار و یار شیطان



وَمَا لَكُمْ لَأَنْتُمْ تُلُونِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ  
 وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْفَرِيضَةِ الظَّالِمِ  
 أَعْمَالُهَا وَأَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٥٠﴾  
 الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ  
 فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

هستند و شما که مو من هستید و در راه خدا می جنگید ، پس بادستان شیطان بجنگید ستاره ای جز راه خدا نباشد و حرکت همه انسانها به سوی او باشد و منتهمی شود و عرصه را بر شیطان و اولیاءش تنگ کنید و مانع و سد راه خدایان را بسازید .

\*\*\*

آنگاه میفرماید :

"إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا"

همانا فریب و نیرنگ شیطان سست و ناچیز است .

در اینجا به چند مطلب باید توجه داشت :

۱- چرا مکرو فریب شیطان ناچیز و ضعیف است ؟

کید : کاری را گویند که صورت و ظاهر خوبی دارد ولی باطن آن چیز دیگری است راغب اصفهانی در مفردات خود می گوید : کید نوعی حیل و دام نهادن است .

و شیطانها چنانسانی و چه غیر انسانی کارشان کید و مکر است ، زیرا باطل را به صورت حق و زیبا جلوه می دهند و انسانها را به دام می اندازند و شکار می کنند ، انسان بیچاره و غافل تصور می کند که حق است و واقعیت دارد و به سود او و جامعه است ، ولی در واقع باطل و بوج و تو خالی است و به ضرر و زیان جامعه و فرد است . بنا بر این کارهای شیطانها و شیطان صفتها و طرفداران شیاطین از همین قبیل است : مکر و کیدی بیشترین آنها هیچگاه باطل را با جلوه واقعی عرضه نمی دارند و نشان نمی دهند و گر نه مردم از آنان تبعیت نمی کنند . لذا باطل را به صورت حق و در لباس حق جلوه میدهند و مردم را با وسوسه فریب می دهند و با حربه باطل به جنگ حق می آیند . ولی باید توجه داشت که باطل ضعیف و بی اساس است زیرا :

- ۱- اساس عالم خلقت بر حق است نه بر باطل " رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا " خدایا این عالم را باطل و بوج و بی هدف نیافریدی . " وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا " " بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا " (سوره ص آیه ۲۷)

ما آسمان و زمین و آنچه میان آنها است بر باطل نیافریدیم ، این گمان آنهائی است که کافر هستند .

بنابر این کسی که طرفدار حق است حرکتش همگام با عالم خلقت و آفرینش است و مانند کسی است که در مسیر آب در حرکت باشد . و طرفداران باطل بر خلاف آفرینش و خلقت سیر می کنند و مانند کسانی هستند که در غیر جهت آب حرکت می کنند . و هر کسی که در جهت مخالف حرکت کل عالم و آفرینش باشد حرکتی است غیر طبیعی و موقت و بیگفته فلاسفه " الْقَرُّ لَا يَدْوُمُ " حرکتهای قسری مانند حرکت سنگ به طرف بالا و یا حرکت مشک آب به زیر آب چون با فشار دست انجام می گیرد ، دوام ندارد ، و دوام آن تا وقتی است که فشار و قوه محرکه باقی باشد ، و باز بین رفتن آن خاتمه می یابد .

آنچه با سنن آفرینش و تکوین هماهنگ است دائمی و خلل ناپذیر است و آنچه ناهم آهنگ باشد ، زودگذر و بی اساس و از بین رفتنی است . و به همین جهت باطل ضعیف و از بین رفتنی است و حق دائمی و غالب است کید شیطان نیز از این جهت که باطل است ضعیف است .

۲- آنها که در راه شیطان و طاغوت قرار گرفتند اندازه ولایت خدا خارج گشته اند و به ولایت طاغوت وارد گردیده اند و قهرا ایمن از نصرت و یاری خداوند محرومند و پناهگاه و پشتوانه ای جز نیروهای مادی ندارند و ماده هر قدر باشد محدود و غیر قابل اعتماد است و در مقابل ، مو منین تحت سرپرستی و ولایت خداوند ، با آنکه به نیروی لایزال و غیر محدود الهی از نصرت و یاری خداوند و امدادهای غیبی او برخوردارند ، و همواره نیروی کفردر برابر نیروی ایمان ضعیف و ناتوان است .

"... إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا"

نیرو و قدرت همفایش از آن خداوند است ، و راه طاغوت چون راه خدا نیست ناچار در مقایسه با راه خدا ضعیف است . گر چه ممکن است نیروهای شیطانی هر یک نسبت به دیگری قوی و باقوی تر باشد ولی در قیاس با نیروی

الهی سست و ناتوان است .

۳- این جمله ( إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ) بیان علت برای فرمان جنگ و مقاتله با طرفداران و یاران شیطان است . و گویا در مقام بیان این مطلب است که چون کید شیطان و همه توطئه ها و نقشه هائی که دارد ناتوان و ناچیز است ، پس درنگ نکنید و به مبارزه و جنگ برخیزید و اولیاء شیطان را از میان بردارید . یعنی هیچگاه قدرت و نیروی دشمن چشم شمارا خیره نسازد و رعب و وحشت شما را نگیرد ، زیرا دشمن هر اندازه نیرومند باشد باز هم در برابر حق ضعیف است .

\*\*\*

کوتاه سخن اینکه در این آیه از جهات مختلفی برای تحریک به جنگ استفاده شده که آنها عبارتند از :

- ۱- ایمان به راه خدا و انگیزه اصلی و اساسی از جهاد در اسلام که همان " فی سبیل الله " است .
- ۲- تحریک عواطف و احساسات مردم نسبت به مستضعفین و کسانی که به انواع بلاها و شکنجه ها مبتلا بودند .
- ۳- توجه به گرفتاری خویشان و بستگان مسلمانها و استفاده از علاقه طبیعی مردم نسبت به خویشان و ندان ، زیرا مردمی که در مکه گرفتار بودند از بستگان نزدیک مهاجرین بودند .
- ۴- از زنان و کودکان به عنوان مستضعفین نام بردن .
- ۵- معرفی مستضعفین با بیان گفتار آنان و استمدادی که از خداوند می جستند و نیاز و نیازی که با خدا داشتند .
- ۶- مقایسه بین مو منین و کفار در هدف و انگیزه های که هر یک در قتال و مبارزه دارند و این که مو منین راه خدا است و راه کفار راه طاغوت .
- ۷- تعبیر از کفار به اولیاء و یاران شیطان و کسانی که سدره تعالی و تکامل انسانها هستند .
- ۸- نشان دادن ضعف نیروی طرف مقابل در برابر نیروهای الهی با جمله " إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا " ادامه دارد .